

نقش آفرینی رژیم صهیونیستی در بحران یمن و بایسته‌های رسانه‌ای

زهرا سلیمانی^۱، علی محمد صالحی^۲

چکیده

با آغاز هشتمین سال تحمیل جنگ از سوی ائتلاف سعودی بر مردم یمن، واقعیت‌های میدانی حاکی از مداخله و نقش آفرینی رو به افزایش رژیم صهیونیستی به نفع این ائتلاف است. در این مقاله، کوشش شده است علل و ابعاد مداخله و نقش آفرینی رژیم صهیونیستی در بحران یمن، بررسی و میزان انطباق فعالیت رسانه‌های همسو و مدافع ملت یمن در این بحران با حجم تحرکات خصمانه رژیم صهیونیستی در آن ارزیابی شود. بر این اساس، هدف اصلی مقاله، تبیین علل و مستندسازی مداخلات رژیم صهیونیستی در جنگ یمن و مطالعه میزان کفایت فعالیت‌های رسانه‌ای محور مقاومت و رسانه‌های همسو با حجم مداخلات رژیم صهیونیستی در این بحران است. روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی و چارچوب نظری آن موازنه تهدید است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که مداخلات رژیم صهیونیستی در یمن را می‌توان در قالب‌های نظامی-فنی، آموزشی، جاسوسی و سیاسی-تبلیغاتی دسته‌بندی کرد. این رژیم بر حسب عادت، می‌کوشد تا ضمن نقش آفرینی در بحران‌ها و مداخله و بهره‌برداری از آنها برای مقابله با ایران و محور مقاومت، ردپای کمتری از خود در یمن برجای بگذارد. در انتهای مقاله، راهکارهای رسانه‌ای برای بهبود فعالیت‌های رسانه‌ای شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما در بازتاب این جنگ ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: رژیم صهیونیستی، یمن، ائتلاف سعودی، محور مقاومت، رویکردهای رسانه‌های برون‌مرزی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

z.solimani.edu@iautb.ac.ir

^۲ دکترای اندیشه سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

salehidarani@gmail.com

Doi: 10.22034/IMRL.2022.149452



مقدمه

با ورود به سال هشتم جنگ علیه یمن، مداخله رژیم صهیونیستی در این جنگ همچنان کانون بحث محافل سیاسی و علمی است. در حالی که عربستان سعودی و امارات متحده عربی پای ثابت جنگ هستند، آمریکا و انگلیس و برخی دولت‌های اروپایی بدون آنکه سوگیری خود را علیه یمن کتمان کنند، علناً با استفاده از هر فرصتی به این کشور حمله می‌کنند. کشورهای عربی به‌ویژه در حوزه خلیج فارس نیز در سایه سیاست خارجی سعودی علیه یمن فعال هستند. در چنین شرایطی رژیم صهیونیستی با احتیاط کامل ضمن آنکه از هیچ کوششی در تضعیف یمن کوتاهی نمی‌کند و در حالی که بعد از قضیه عادی‌سازی روابط با کشورهای چوچون امارات، بحرین، سودان و مغرب بر حجم همدلی خود با مخالفان و دشمنان یمن افزوده است، بسیار محافظه‌کارانه می‌کوشد تا هیچ نشانه‌ای از مداخله در یمن از خود بروز ندهد. سیر تحولات نشان می‌دهد که با پیشرفت مقوله عادی‌سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی در فضای جدید منطقه، افزایش مداخلات رژیم صهیونیستی در این بحران، دور از ذهن نیست و جنگ یمن را می‌توان به‌عنوان طعمه‌ای جذاب برای این رژیم قلمداد کرد که در سایه آن اهدافی چندگانه از جمله تکمیل پروژه عادی‌سازی روابط با اعراب، به چالش کشیدن ایران، گریز از تهدیدات دریایی و پرهیز از رویارویی احتمالی با یمنی‌ها را که حالا به بازویی پر توان برای محور مقاومت تبدیل شده‌اند، تعقیب می‌کند.

یمن برای رژیم صهیونیستی هم به‌لحاظ نگرشی و اعتقادی و هم به‌لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی^۱، ژئواستراتژیکی^۲ و ژئواکونومیکی^۳ اهمیت ویژه دارد. این اهمیت آنگاه مضاعف می‌شود که محور غربی-عربی-عبری، یمن و دولت نجات ملی^۴ یمن را نسخه تکثیر شده‌ای از جمهوری اسلامی ایران در راهبردی‌ترین نقطه منطقه (باب‌المنذب) یعنی در کنار مرزهای سعودی می‌خوانند. در مقاله حاضر کوشش شده است تا با بررسی مدارک و گزارش‌های رسانه‌ای که فعالیت رژیم صهیونیستی را در بحران یمن تأیید می‌کنند، ابعاد مداخله این رژیم در جنگ علیه یمن تبیین شود. طبیعی است با آگاهی از ابعاد مختلف این مداخلات و کشف زوایای پنهان

1. Geopolitical Position

2. Geostrategic Position

3. Geoeconomic Position

۴. الحكومة الانتقادی الوطنی

آن بتوان به سیاستی نو شده رسید که حداقل در بعد رسانه‌ای بتواند بازوی رسانه‌های محور مقاومت و دیگرانی باشد که با یمن همگرایی دارند و رویکردی را تجربه کرد که در برابر هژمونی رسانه‌ای غربی-عربی - عبری مجال ارائه داشته باشد.

روش تحقیق در نوشته حاضر تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع خبری رسانه‌ای و کتابخانه‌ای، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شده است. مقاله در پی پاسخ به این سؤال‌ها است:

ابعاد مداخله و نقش آفرینی رژیم صهیونیستی در بحران یمن چیست؟

آیا فعالیت‌های رسانه‌ای محور مقاومت و رسانه‌های همسو با آن با حجم مداخلات رژیم

صهیونیستی در بحران یمن متوازن است؟

چه پیشنهادهایی می‌توان به شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما و سایر رسانه‌های محور

مقاومت برای افزایش نقش آفرینی در این خصوص ارائه کرد؟

فرضیه مقاله این است که با توجه به حجم مداخلات رژیم صهیونیستی در بحران یمن به‌نظر

می‌رسد میزان و حجم فعالیت‌های رسانه‌ای محور مقاومت و گروه‌های رسانه‌ای همسو اگر چه

لازم است اما کافی نیست.

پیشینه تحقیق

مطالعه مقالات با محوریت یمن نشان می‌دهد موضوع مداخلات رژیم صهیونیستی در یمن، در مقایسه با سایر موضوعات حقوقی، امنیتی، هویتی، تاریخی و... سهم اندکی در جلب توجه پژوهشگران داشته است. نیاکویی و اعجازی (۱۳۹۵) کوشیده‌اند تا زمینه‌های شکل‌گیری بحران امنیتی در یمن را بررسی کنند اما بر مداخلات رژیم غاصب قدس در بحران یمن تمرکز نکرده‌اند. احمدیان (۱۳۹۰) عمده تمرکز خود را بر موضوعات داخلی منجر به انقلاب و قدرت گرفتن حوثی‌ها قرار داده است. نجات و همکاران (۱۳۹۵) نیز موضوع راهبرد ایران و عربستان سعودی در قبال بحران یمن را با تکیه بر نظریه موازنه قدرت و تأثیر آن بر بحران یمن بررسی کرده‌اند. احمدی (۱۳۹۶) در مورد نفوذ امنیتی رژیم صهیونیستی در پوشش اقتصادی در برخی بحران‌ها تمرکز کرده است اما مداخله رژیم صهیونیستی در بحران یمن را که کمتر وجهه اقتصادی دارد و بیشتر در قالب‌های نظامی، امنیتی، سیاسی، تبلیغاتی و فنی متمرکز است، بررسی نکرده است. حاجی‌یوسفی و نعمتی (۱۳۹۸) اگر چه کوشیده‌اند اسباب اتحاد و نزدیکی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را بررسی کنند اما دامنه بحث را به اشتراک منافع رژیم صهیونیستی و سعودی در یمن توسعه نداده‌اند. محسنی (۱۴۰۰) ابعاد سیاسی و رسانه‌ای حملات پهلادی انصارالله یمن





علیه ائتلاف را بررسی کرده است بدون آنکه مقابله ائتلاف با این حملات را از منظر همراهی و همکاری رژیم صهیونیستی با ائتلاف سعودی تبیین کند.

رژیم صهیونیستی به‌عنوان رکن مؤثر در ماجرای یمن به‌شکلی ویژه و البته مخفیانه و غیررسمی حاضر است اما در کتب و مقالات کمتر از نوع و شیوه‌های مداخله این رژیم سخن به میان آمده است. لذا، در این نوشتار ضمن بررسی مستند نوع مداخلات رژیم در بحران یمن، راهکارهای نوینی جهت تقویت و تجهیز رسانه‌های همسو با مردم یمن و دولت نجات ملی ارائه شده است.

چارچوب و ادبیات نظری

به‌نظر می‌رسد اتحاد ائتلاف سعودی با رژیم صهیونیستی ناشی از خیزش انصارالله و با رویکردی معطوف به ایجاد حاکمیت اسلام سیاسی در یمن به‌ویژه در چند سال اخیر است؛ به‌گونه‌ای که رژیم صهیونیستی در نزدیک شدن به ائتلاف و تعقیب چند هدف اساسی از هیچ تلاشی دریغ نوزدیده است. احساس تهدید مشترک از ناحیه یمن، جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در قالب نظریه «موازنه تهدید» می‌تواند چارچوب نظری مناسبی را برای تحلیل رفتارهای کشورهای ائتلاف و رژیم صهیونیستی، ارائه دهد.

از نگاه ائتلاف، یمن تحت تسلط انصارالله تهدیدی بالفعل برای اسلام سلفی و وهابی است و در نتیجه، تهدیدات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک علیه عربستان سعودی و امارات، قطعی است. همچنین یمن تحت کنترل انصارالله اگر در گذشته به‌عنوان تهدیدی بالقوه برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد در سال‌های اخیر به‌شکلی خاص به تهدیدی بالفعل برای اقتصاد و امنیت رژیم صهیونیستی بدل شده است. نگرانی رژیم صهیونیستی از تسلط مطلق انصارالله بر تنگه باب‌المنده و همچنین دریای سرخ قطعاً در اولین گام، جدی‌ترین تهدیدات را متوجه تجارت دریایی رژیم صهیونیستی خواهد کرد. همچنین انصارالله و دولت نجات ملی بر یمن بی‌گمان مخالف توافق موسوم به ابراهیم و عادی‌سازی روابط با اعراب با رژیم صهیونیستی هستند. ضمناً انصارالله دشمن ماهوی و وجودی رژیم صهیونیستی است و در جنگ آینده حزب‌الله با رژیم صهیونیستی در کنار حزب‌الله خواهد بود.

مجموع این تهدیدات مشترک، ائتلاف مهاجم به یمن را بر آن داشته است تا با دشمن دیروز خود یعنی رژیم صهیونیستی متحد شده و درصدد ایجاد موازنه در مقابل این خطر مشترک برآید. درواقع، هرچه بر میزان بُرد و دقت قدرت موشکی و پهپادی انصارالله افزوده می‌شود لزوم اهمیت



این موازنه تهدید، جدی‌تر می‌شود. در شرایط جدید و پس از شکست تلاش پیشین رژیم صهیونیستی برای ایجاد «اتحاد پیرامونی» در سایه توجه به کشورهای غیرعرب زبان مانند ایران، ترکیه و ایتوبی، اکنون اتحاد مبتنی بر موازنه تهدید با کشورهای عربی برای رژیم صهیونیستی، یک دستورکار جدی در بحران یمن است.

بر اساس نظریه موازنه تهدید «استفن والت»^۱ دولت‌ها در وضعیت آنارشیک برای حفاظت از خود تشکیل اتحاد می‌دهند. در چنین حالتی تهدیدات و قدرت دیگر بازیگران، یک رکن مهم در محاسبات آنان خواهد بود. همچنین براساس نگاه والت، قدرت دیگر دولت‌ها به مکان جغرافیایی، توانایی انجام اعمال مختلف در جغرافیای مورد نظر و چگونگی استفاده از توانایی‌ها، بستگی دارد (Walt, 1987). همچنین دولت‌هایی با نیت آشکار تجاوزطلبانه، مخالفین بیشتری نسبت به آنان که ترجیحاً در پی حفظ وضع موجود هستند، خواهند داشت (Walt, 2010: 11).

مبتنی بر دیدگاه والت، تهدیدات دولت‌ها علیه یکدیگر، از منبع قدرت کل، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی نشأت می‌گیرد. بر این اساس، دولت‌ها در برابر دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری را متوجه موجودیت یا منافع آنها می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵). با استفاده از مفهوم موازنه تهدید، می‌توان برداشت‌ها و کنش‌های محور مقاومت به نمایندگی یمن و ائتلاف سعودی با پشتیبانی رژیم صهیونیستی را در برابر یکدیگر تحلیل کرد. در شرایطی که اشتراک دیدگاه و منافع میان ائتلاف و رژیم صهیونیستی در میدان جنگ، آنها را در یک جبهه واحد قرار داده است، مسیر حوادث میدانی، باعث شده است تا رژیم صهیونیستی به شکلی علنی‌تر و رسمی‌تر در این میدان نقش آفرینی کند. این درحالی است که اساساً دورنمای روشنی از پیروزی ائتلاف در جنگ با انصارالله وجود ندارد و البته به شکلی ویژه، انصارالله مقصد بعدی جنگ را اسرائیل معرفی کرده است. با توجه به این موارد، توجه به تلاش عمدتاً سیاسی و رسانه‌ای رژیم در همکاری با ائتلاف علیه یمن ضرورت دارد. در سایه این رویکرد رژیم صهیونیستی با تأکید بر تروریست بودن انصارالله، تل‌آویو قصد دارد اگر نقش مداخله‌جویانه رژیم در یمن به شکل رسمی فاش شود، ادعا کند اسرائیل در کنار چند کشور اسلامی علیه مسلمانانی با صبغه تروریستی در یمن نقش آفرینی کرده است.

۱. Stephen Walt



یمن از انفعال تا اسلام سیاسی

اهمیت یمن در سال‌های اخیر برای رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و امارات افزایش یافته است. انصارالله یمن نسخه‌ای از انقلاب اسلامی ایران معرفی شده که معادل آن بیشتر در لبنان و در قامت حزب‌الله شکل گرفته است. به‌همین دلیل محور غربی-عربی - عبری بر ممانعت از تکثیر مقوله‌ای مشابه انقلاب اسلامی ایران و حزب‌الله در یکی از راهبردی‌ترین نقاط جهان و مهمترین گلوگاه‌های انرژی جهانی اصرار دارد. پایان حکومت بیش از سه دهه‌ای علی عبدالله صالح بر یمن و حکومت محدود عبدربه منصورهادی که در سایه انقلاب مردمی در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۴ در صنعاء بر چیده شد، در حقیقت پایان انفعال یمن و اتحاد دولت آن با ریاض بود. لذا، هجوم سخت و نرم مخالفان انصارالله علیه یمن از جمله ائتلاف سعودی و رژیم صهیونیستی، طبیعی است. رژیم صهیونیستی با دو هدف جلوگیری از تبدیل یمن به مدل و نسخه‌ای جدید از جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از تهدیدات ناشی از تسلط انصارالله بر دریای سرخ و باب‌المنندب وارد صحنه نبرد شد.

عربستان سعودی که با انتقال هیجانانگیز و پس‌لرزه‌های ناشی از انقلاب‌های موسوم به بیداری اسلامی به خارج از مرزهایش (از جمله سوریه) احساس امنیت می‌کرد، از سال ۲۰۱۴ در مرزهای خود با چالشی از جنس عقیده و اعتقاد به اسلام سیاسی^۱ مواجه شده بود. اصرار بر التزام به اسلام سیاسی از سوی انصارالله یمن، در برگیرنده نفی استبداد و استعمار و حاکمیت بخشیدن به اسلامی بوده است که اداره سیاست و اجتماع را عهده‌دار خواهد شد. جالب آنکه در رأس حرکت جدید عبدالملک حوثی فرزند کسی قرار داشت که در مدرسه ایرانیان مشق علم و سیاست کرده بود و برادرش حسین حوثی در راه تحقق نگاه سیاسی اسلامی جان خود را تقدیم حرکت انقلابی کرده بود.

اولین اظهار نظر رژیم صهیونیستی در خصوص انصارالله یمن به سال ۲۰۱۵ باز می‌گردد. زمانی که نتانیاهو در واکنش به توافق برجام اعلام کرد محور ایران-لوزان-یمن خطرناک‌ترین محور برای همه بشریت است و تلاش برای متوقف کردن آن ضرورت دارد (المیادین، ۲۰۲۱). یمن با موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی به این دلیل برای ائتلاف خطرناک بود که حاصل خیزی، منابع غنی و موقعیت ویژه منطقه‌ای و بین‌المللی آن در خدمت اهدافی بود که در تعارض کامل هم با اسلام وهابی-سلفی و هم منافع غرب و رژیم صهیونیستی قرار داشت.

۱. Political Islam



تحلیل‌گران اعتقاد داشتند که یمن مسلط بر باب‌المنذب و دریای سرخ از این قابلیت برخوردار است که با بستن راه بر کشتی‌های تجاری رژیم صهیونیستی ۹۰ درصد از تجارت دریایی رژیم صهیونیستی را متوقف و اقتصاد رژیم صهیونیستی را فلج کند. پس از حمله به یک کشتی رژیم صهیونیستی در دریای سرخ، نتانیاهو اعلام کرد در عملیات نظامی برای در تنگه باب‌المنذب شرکت خواهد کرد (همان). در مورد اهمیت یمن برای رژیم صهیونیستی باید تأکید کرد که در اندیشه صهیونیست‌ها، یمن یکی از سرزمین‌های زیست یهودیان قبل از مهاجرت به فلسطین اشغالی است و به این دلیل آنها احساس تملک در مورد آن دارند. برخی برآوردها نشان می‌دهد که پس از سال ۱۹۵۰ بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ یهودی در یمن زندگی کرده‌اند (الدیب، ۲۰۲۰).

۱. ابعاد مداخله رژیم صهیونیستی در جنگ یمن

فعالیت‌ها و مداخلات رژیم صهیونیستی در یمن را می‌توان ذیل چهار دسته نظامی، آموزشی-فنی، جاسوسی و تبلیغاتی-سیاسی و با هدف حمایت از ائتلاف سعودی و تأمین منافع ویژه تل‌آویو تبیین و تبویت کرد.

۱-۱. مداخله نظامی

سابقه مداخله نظامی رژیم صهیونیستی در جنگ یمن در قالب همکاری و همراهی با ائتلاف به ماه‌های اولیه این جنگ بر می‌گردد و ظاهراً هدف رژیم صهیونیستی ایجاد زمینه عادی‌سازی روابط با برخی کشورهای عربی از جمله امارات در سال ۲۰۱۸ بوده است. روزنامه آمریکایی واشنگتن پست در گزارشی نوشت که همکاری نظامی رژیم صهیونیستی با ائتلاف علیه یمن (از جمله مشارکت ۴۲ خلبان رژیم صهیونیستی در جنگ) از سال ۲۰۱۵ آغاز شده بود (صحافه‌الجدید، ۲۰۲۱). سطح همکاری رژیم صهیونیستی با ائتلاف در ابعاد مختلف پس از اعلام عادی‌سازی روابط بین امارات و رژیم صهیونیستی و سکوت عربستان سعودی در مقابل آن، افزایش یافته است.

جیمز دروسی^۱ از استادان روابط بین‌الملل دانشگاه نانیانج^۲ سنگاپور و عضو پیوسته مرکز مطالعات راهبردی بگین‌سادات^۳، معتقد است که با توجه به افزایش قدرت نظامی انصارالله، همکاری‌های نظامی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی افزایش پیدا کرده است. دروسی تأکید

1. Jims Darossi

2. Nananj University

3. The Begin-Sadat Center for Strategic Studies



کرده با توجه به تناقضات رفتاری آمریکا (تحقیر مداوم عربستان سعودی توسط ترامپ و چالش‌های روابط بایدن با عربستان در زمینه حقوق بشر) دولت‌های خلیج فارس به این نتیجه رسیده‌اند که روابط با بازیگران دیگری مانند رژیم صهیونیستی لازم است (الدیب، ۲۰۲۰). به‌نظر می‌رسد هدف رژیم صهیونیستی از همراهی نظامی-امنیتی با عربستان سعودی در جنگ علیه یمن، مقابله با ایران است (المیادین، ۲۰۲۱). همچنین با توجه به تحولات داخلی عربستان سعودی، احتمال پادشاهی محمد بن سلمان بسیار زیاد است؛ بنابراین، رژیم اسرائیل ضمن حمایت از عربستان سعودی، در حال سرمایه‌گذاری بر پادشاه آینده با هدف عادی‌سازی روابط سعودی با رژیم صهیونیستی است.

در مورد روابط امارات با رژیم صهیونیستی نیز باید گفت با توجه به آسیب‌پذیری بیشتر ابوظبی در مقابل حملات انصارالله، امارات در هفت سال جنگ حداقل ۲ بار به‌شکل رسمی اعلام عقب‌نشینی کرده است. همچنین با توجه به بلندپروازی‌های منطقه‌ای آن و لزوم دریافت کمک‌های مختلف و حمایت‌های سیاسی، امارات حساب ویژه‌ای بر روابط با رژیم اسرائیل گشوده است. رسانه‌ها گزارش دادند که تحرکات امارات در جزایر مختلف یمن به‌ویژه سقطرا^۱ و میون^۲ با حمایت رژیم صهیونیستی رخ داده است.

همچنین مطابق با گزارش‌های رسانه‌ای، رابطه امارات با رژیم صهیونیستی قبل از عادی‌سازی رسمی روابط در سال ۲۰۱۸ آغاز شده بود. لذا، می‌توان گفت به‌موازات تشدید جنگ یمن و پاسخ‌های نظامی انصارالله، ابعاد روابط رژیم غاصب قدس و امارات نیز افزایش خواهد یافت. به‌عنوان مثال، روزنامه رژیم صهیونیستی هآرتص بعد از هجوم پهپادی و موشکی انصارالله به امارات در اسفند ۱۴۰۰ (مارچ و فوریه ۲۰۲۲) نوشت: «بعد از این حمله، همکاری رژیم صهیونیستی و امارات حتماً تعمیق خواهد شد». این روزنامه نوشته بود که در آینده‌ای نزدیک، امارات، سامانه پدافندی «گنبد آهنین» و «فلاخن داوود» را از رژیم صهیونیستی دریافت خواهد کرد. نکته قابل تأمل آنکه مشابه این خبر پیش از این تاریخ و در اوج حملات یمنی‌ها به عمق خاک عربستان سعودی در خصوص اراده این کشور به خریداری «گنبد آهنین» از رژیم صهیونیستی به رسانه‌ها درز کرده بود (روسیا الیوم، ۲۰۲۲). همچنین با توجه به افزایش قدرت موشکی و پهپادی انصارالله و در حالی که فاصله رژیم صهیونیستی و یمن حدود ۲۰۰۰ کیلومتر

1. Socotra

2. Mayyun



است، رژیم صهیونیستی با مداخله در یمن از سویی بر آن است تا از امارات و عربستان سعودی محافظت و البته این دو کشور را وامدار خود کند و از دیگر سو با محدودسازی انصارالله، از امتداد یافتن حملات آنها از کل جزیره عربی تا دریای سرخ به «بندر ایلات» خود جلوگیری کند.

۲-۱. همکاری‌های آموزشی و فنی

واقعیت آن است که در چهار دهه اخیر، رژیم صهیونیستی با پیمان «کمپ دیوید»^۱ موفق شد مصر و با پیمان موسوم به «وادی عربیه»^۲ اردن را از فلسطین جدا کند. در سایه انعقاد پیمان «اسلو»^۳ میان صفوف فلسطینیان جدایی بیاندازد و بخشی از فلسطینیان را از آرمان فلسطین جدا کند و بالاخره با پیمان موسوم به «پیمان ابراهیم»^۴ و در سایه عادی‌سازی روابط با امارات، بحرین، مغرب و سودان بخش مؤثری از جهان اسلام را به سمت خود جذب نماید (الشرع، ۱۴۰۰: ۱۷۳). نکته مهم دیگر در شرایط کاهش توجه آمریکا به غرب آسیا، این است که کشورهای منطقه برای حفظ توازن قوا به رژیم صهیونیستی به‌عنوان عامل موازنه نگاه می‌کنند که در ابعاد مختلف نیز پیشرو است. در شرایطی که رژیم صهیونیستی کلید حل کامل معمای موسوم به عادی‌سازی روابط را در دستان عربستان سعودی می‌داند از هیچ کوششی برای جذب نگاه بن سلمان فروگذار نمی‌کند و به‌همین دلیل در کنار مداخلات نظامی در یمن، به پروژه کمک‌های فنی و آموزشی به امارات و عربستان سعودی نیز توجه دارد. واشنگتن‌پست در خصوص کمک‌های آموزشی رژیم صهیونیستی به عربستان سعودی و امارات مدعی حضور ۷۰ متخصص و کارشناس نظامی رژیم صهیونیستی و همچنین متخصصین امور راداری در اتاق‌های عملیات این کشورها در المخا^۵ شد. این نیروهای رژیم صهیونیستی در امر آموزش نیروهای سعودی و اماراتی نقش آفرینی کرده‌اند (صحافه الجدید، ۲۰۲۱). آموزش نیروهای اماراتی توسط رژیم صهیونیستی در امارات در زمینه‌های مختلف از طریق شرکت‌های خارجی مانند شرکت امنیتی آمریکایی «سبایر اوبریشن» با هدف ترور مخالفین امارات و مجلس انتقالی در استان عدن از دیگر کمک‌های فنی به امارات است (المیادین، ۲۰۲۰).

1. Camp David Accords
2. Wadi Araba Treaty
3. Oslo Accord
4. Abraham Accord
5. Almakha



نه تنها سعودی و امارات بلکه نیروهای وابسته به آنها نیز راز ماندگاری خود را در پیوند با رژیم صهیونیستی جستجو می‌کنند. مثال روشن این دسته از نیروهای فعال و البته نیابتی در یمن وابستگان به امارات موسوم به «شورای انتقالی جنوب»^۱ به ریاست «عیدالروس الزبیدی» و جانشینی «هانی بن بریک» هستند که در ماجرای عادی‌سازی روابط چهار کشور عربی با رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۸ با برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی و همچنین با مشروعیت آن ابراز موافقت کردند.

عیدالروس الزبیدی، رهبر جدایی‌خواهان جنوب در یمن که به تعبیر روزنامه صهیونیستی «اسرائیل الیوم» دوست رژیم صهیونیستی در یمن معرفی شده است (العالم، ۱۳۹۹/۴/۲)، در استقبال از برقراری روابط با رژیم صهیونیستی گفته بود: «ما عادی‌سازی روابط برخی از کشورها با رژیم صهیونیستی را مبارک می‌دانیم. همچنین این استاندار سابق یمن که با حمایت امارات و بعد رژیم صهیونیستی داعیه خودمختاری در جنوب یمن را در سر دارد، تأکید می‌کند اگر یک دولت مستقل با پایتختی عدن برای جنوب یمن ایجاد شود حق داریم با رژیم صهیونیستی رابطه برقرار کنیم و این حق حاکمیتی ماست» (الزبیدی، ۲۰۲۱).

نایب رئیس شورای انتقالی جنوب، هانی بن بریک بعد از پیمان ابراهیم رسماً اعلام کرد اگر باب سفر به رژیم صهیونیستی برای جنوبی‌های یمن گشوده شود به زیارت یهودیان جنوبی در منازلشان خواهیم رفت و با آنها به قدس می‌روم و در مسجدالاقصی نماز خواهیم گذارد (twitter, 2020\09\15).

شورای انتقالی جنوب که در واقع سرسپردگان امارات در یمن هستند از سویی حافظ منافع امارات در یمن محسوب می‌شوند و از دیگر سو به‌عنوان ستون پنجم رژیم صهیونیستی در یمن خدمت‌گذاری به رژیم صهیونیستی را بر عهده دارند. جالب آنکه میزان اعتماد امارات به این دسته از سرسپردگان خود در یمن به حدی است که همواره ایشان را در مقابل حکومت عبد منصورهادی، مورد حمایت ویژه قرار داده و در اقدام خود در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۴۰۱ (۷ آوریل ۲۰۲۲) و پس از آنکه عبد منصورهادی مجبور به ترک قدرت شد و اختیارات خود را به مجلسی با عنوان «مجلس رهبری ریاست جمهوری» واگذار کرد، از ۸ نفر ۴ نفر آن از مجلس انتقالی جنوبی و از جمله عیدالروس الزبیدی بودند (العالم، ۲۰۲۱).

^۱. المجلس الانتقالي الجنوبي



حضور مؤثر جنوبی‌ها در میدان یمن و به نیابت از امارات و سپس رژیم صهیونیستی در سایه تسلط آنها بر جزیره سقطرا یمن عملی شد. امارات قبل از عقب نشینی از سقطرا^۱ و تحویل آن به جنوبی‌ها یک پایگاه نظامی در این منطقه راهبردی دریایی تاسیس کرد و سپس آن را به جنوبی‌ها تحویل داد (الدیب، ۲۰۲۰). تسلط جنوبی‌ها بر سقطرا و اعلام مودت و ارادت بعدی آنها به رژیم صهیونیستی می‌تواند راهگشای معمای حضور و بهره‌برداری رژیم صهیونیستی از این جزیره کاملاً راهبردی یمنی باشد. به‌ویژه آنکه منابع صهیونیستی در ساخت پایگاه‌های اطلاعاتی امارات در سقطرا به حضور افسرانی از اطلاعات رژیم صهیونیستی در این منطقه اشاره می‌کنند که افسران اماراتی را در ساخت و تجهیز همراهی می‌کردند.

امارات پیش از آنکه در جزایر یمن فعال شود «بندر عصب اریتره» را برای حضور در باب المندب امتحان کرده بود. امارات با تاسیس یک پایگاه نظامی در این جزیره و تجهیز آن به باندهای فرود هواپیما این بندر را به مکانی برای نقل و انتقال سلاح سنگین و همچنین اعزام نیروهای سودانی به یمن تبدیل کرده بود. به گفته منابع مطلع، در این پایگاه، امارات تعدادی از افسران رژیم صهیونیستی را به خدمت گرفته بود. تعدادی از این افسران افراد کارکشته در اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی (امان) و تعدادی دیگر افراد زبده دستگاه جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) بوده‌اند. در همین شرایط و به‌موازات امارات، رژیم صهیونیستی هم در همین سال یعنی ۲۰۱۵ و متعاقب پیروزی انقلاب انصارالله در یمن و احساس خطر نتانیاها، نسبت به تسلط حوثی‌ها بر باب المندب نه تنها در تجهیز پایگاه اماراتی و آموزش نیروهای این کشور در اریتره مساعدت ویژه کرد بلکه خود نیز به تاسیس یک پایگاه نظامی در این کشور مبادرت کرد. (المیادین، ۲۰۲۱/۰۳/۲۶).

سیاست امارات در شرایط جدید، گونه‌ای گرته‌برداری از سیاست دریایی پرتغالی‌های قرن ۱۸ است. بر این اساس و در تعقیب این سیاست، تمرکز بر دریای سرخ و تنگه باب المندب پس از ورود به میدان یمن و در همراهی با ائتلاف سعودی به تسلط بر سقطرا بسنده نکرد. لذا، بعد از سقطرا که در میان اقیانوس هند در دریای عرب امکان جولانی را برای امارات فراهم می‌کرد این بار به فکر حضور نزدیک‌تر و ملموس‌تر در یکی از راهبردی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان یعنی باب المندب افتاد. لذا، عمده تمرکز خود را بر اشغال و حضور در «جزیره میون» در دهانه باب المندب گذاشت. در این زمان آسوشیتدپرس با انتشار تصاویری ماهواره‌ای، پرده از ساخت

۱. Socotra



پایگاهی هوایی توسط امارات در جزیره میون برداشت. طبق گزارشی در آسوشیتدپرس، این پایگاه در یکی از مهمترین گذرگاه‌های دریایی قرار گرفته و امارات با این اقدام هدفی راهبردی و طولانی مدت را تعقیب می‌کند که منحصر و مختصر در جنگ یمن نیست. به باور این رسانه آمریکایی، هدف امارات از این اقدام، کنترل بر عبور و مرور کشتی‌ها در این منطقه مهم جهان است. تصاویر ماهواره‌ای آسوشیتدپرس، ساخت باند فرودگاه و ساختمان‌های نظامی در این جزیره را نشان می‌داد و کشتی‌هایی را نشان می‌داد که سیمان، آهن و فولاد به این منطقه حمل می‌کنند و جالب آنکه مسیر کشتی‌ها، بارگیری آنها از بندر عصب^۱ اریتره به سوی جزیره میون را نشان می‌داد (العالم، ۲۰۲۱/۰۵/۲۵). منابع محلی البته در همین راستا از حضور افسران رژیم صهیونیستی در رصد دریایی و هوایی منطقه در میون خبر دادند و تأکید کردند تجهیزات استفاده شده در این پایگاه به قدری پیشرفته هستند که قادرند اهداف خود را تا فاصله هزاران کیلومتر شناسایی کنند. همچنین منابع بر این اعتقادند که تحت پوشش امارات در جزیره میون هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی به شدت فعال هستند.

افزون بر آنچه گذشت «الاکخبار لبنان» به نقل از منابع محلی اعلام کرد آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، گروه‌هایی از نظامیان مصری و برخی از نظامیان که به‌نظر صهیونیستی باشند در سال ۲۰۱۹ به شکلی پرحجم به جزیره میون رفت و آمد می‌کرده‌اند و البته جروزالم پست عبری، هنگام ساخت پایگاه نظامی اماراتی میون اعتراف کرد که ساخت پایگاه آمریکایی صهیونیستی در جزیره میون آغاز شده است. جروزالم پست همچنین افزود آمریکا به‌دنبال تأمین مصالح خود و امنیت رژیم صهیونیستی ساخت این پایگاه را محل توجه جدی قرار داده است (العالم، ۲۰۲۱/۰۵/۲۸).

جنوبی‌های یمن که در سال ۲۰۱۷ به‌شکل رسمی موجودیت تشکیلاتی خود را اعلام کردند و هدفشان را استقلال جنوب از شمال معرفی کردند اولین حاضران این جزیره بودند. البته آنها در سال ۲۰۱۹ با حمله به قصر معاشیق در عدن حاکمیت خود را در این بندر بسیار مهم و کلیدی تحکیم بخشیدند. پس از آن و در شرایطی که مسئله توافق آبراهام و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی میان چهار کشور عربی حالتی رسمی به خود گرفته بود، کوشیدند تا از ظرفیت‌های رژیم برای تسلط هرچه بیشترشان بر جنوب یمن استفاده تام کنند. بر این اساس، عیدالروس زبیدی به‌عنوان رئیس شورای انتقالی در گفتگوی با شبکه روسیا اليوم، از ایجاد رابطه اعراب و

۱. Asab



رژیم صهیونیستی رسماً استقبال کرد و البته در قالب گونه‌ای گروکشی تحقق این رابطه را مشروط به تحقق دولت جنوب یمن معرفی کرد. عیدروس الزبیدی در این گفتگو رسماً اعلام کرد زمانی که کشور و پایتختی به نام جنوب یمن داشته باشیم مسئله عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی قابل طرح است (الزبیدی، ۲۰۲۱).

همچنین طارق صالح فرمانده نظامیان امارات در ساحل غربی و هادی بن بریک قائم مقام الزبیدی از توافق ابوظبی و تل آویو برای برقراری روابط دیپلماتیک استقبال کردند و بن بریک، به صراحت اعلام داشت: «این شورا با هر کشوری از جمله رژیم صهیونیستی که به استقلال جنوب یمن کمک می‌کند رابطه دیپلماتیک و دوستانه برقرار خواهد کرد. او همچنین تأکید کرد رژیم صهیونیستی در خاک و سرزمین خود حضور دارد» (تسنیم، ۱۳۹۹). مفهوم این مواضع جنوبی‌ها در قبال عادی‌سازی روابط چند کشور عربی با رژیم صهیونیستی آن گاه روشن‌تر می‌شود که به گزارش اسرائیل الیوم، در ژوئن ۲۰۲۰ تسلط شورای انتقالی بر باب المندب به‌عنوان یک نقطه راهبردی برای رژیم صهیونیستی بسیار راهبردی است. رژیم صهیونیستی در حال ایجاد ارتباط پشت پرده با دولت خودگردان مجلس انتقالی در جنوب است.

شورای انتقالی جنوب یمن با تسلط بر بخش‌های وسیعی از جنوب این کشور و هم‌سو با امارات، در واقع پنجره‌ای برای نفوذ رژیم صهیونیستی در یمن و دستیابی آن به جزایر راهبردی منطقه است، پنجره‌ای که به لطف جنوبی‌ها امکان تعاملات فی مابین و حضور رژیم صهیونیستی در یمن را فراهم آورد. به زعم بن بریک، نزدیکی صهیونیست‌ها با پسرعموهای عربشان را فراهم ساخت. بن برک در توییت عربی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی در مورد سفر یک رژیم صهیونیستی به قطر به وی خوش آمد گفته بود و صهیونیست‌ها را پسرعموی اعراب خواند (۲۵ مارس ۲۰۲۰، twitter). لذا، می‌توان گفت: هرکجا در یمن اماراتی‌ها و جنوبی‌ها مسلط بر اوضاع هستند بی‌گمان نیروهای صهیونیستی نیز حضوری جدی دارند.

کلام پایانی در این قسمت اینکه توجه به حضور رژیم صهیونیستی به منطقه ساحل غربی یمن است. منطقه‌ای که اگرچه با توافق استکهلم در سال ۲۰۱۸ در دست حوثی‌ها قرار گرفت اما همواره مورد تعرض قرار داشت. العربی‌الجدید با اشاره به اهمیت این منطقه از حضور مستقیم ۷ قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی در منطقه ساحل خبر داده و می‌نویسد: «ساحل غربی یمن که از منطقه ذباب و ساحل تا تنگه باب المندب آغاز می‌شود و تا بندر میری در استان حجه ادامه



می‌یابد به محل تجمع سازمان‌های اطلاعاتی غربی و منطقه‌ای از جمله از عربستان سعودی، فرانسه، بریتانیا، مصر، رژیم صهیونیستی و روسیه، تبدیل شده است» (اسعد، 2020/10/27).

۳-۱. فعالیت‌های جاسوسی

رژیم صهیونیستی سابقه خاصی در امور امنیتی و جاسوسی دارد و چنانکه موضوع نرم‌افزار صهیونیستی «پیکاسو» به یک رسوایی بین‌المللی تبدیل شد و مشخص گردید بسیاری از کشورها با استفاده از این نرم‌افزار صهیونیستی برخی از حساس‌ترین اطلاعات خود را یا تقدیم به دشمنان خود کرده‌اند و یا با انتشار عام برخی از محرمانه‌ترین اطلاعات‌شان توسط بهره‌برداران از این نرم‌افزار، جنبه‌هایی از رسوایی بین‌المللی را متحمل شدند (بی‌بی‌سی، ۲۸/۰۴/۱۴۰۰). رژیم صهیونیستی عموماً از قابلیت‌های جاسوسی و اطلاعاتی خود برای اعمال قدرت بر دیگران استفاده می‌کند و با فروش یا تقدیم آنها به دیگران منافع خاص کسب می‌کند. در یک فقره قابل تأمل بهره‌برداری رژیم صهیونیستی از اسناد هسته‌ای سرقت کرده از ایران، می‌توان گفت تیر خلاص را به خروج ترامپ از برجام زد (دیپلماسی ایرانی، ۲۹/۴/۱۳۹۷). اطلاعات حاصل از جاسوسی رژیم صهیونیستی در ایران پرونده موسوم به «موارد ادعایی» در موضوع هسته‌ای ایران را که قبل‌تر مختومه اعلام شده بود مجدداً در کانون توجهات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین اعضای ۵+۱ طرف قرارداد با ایران قرار داد.

افسران امنیتی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی ضمن ارائه اطلاعات و نقشه‌ها به طرق مختلف و تمرکز ماهواره‌ای بر میدان جنگ یمن، هم یاری‌رسان ائتلاف سعودی در جنگ بوده‌اند و هم با حساسیت بر کلیه تحرکات در دریای سرخ به‌ویژه باب‌المنندب نظارت می‌کنند. شاید با توجه به فاصله حوالی ۲۰۰۰ کیلومتری میان رژیم صهیونیستی و یمن، استفاده از هواپیماها و پهپادهای جاسوسی در یمن دور از ذهن باشد اما وقتی به مشارکت رژیم صهیونیستی در تجهیز پایگاه‌های اماراتی در اطراف یمن و تمرکز رژیم صهیونیستی بر جزایر اریتره توجه شود، روشن می‌شود که ارسال هواپیما و پهپادهای جاسوسی و شناسایی بر فراز یمن محتمل است. در ۵ آوریل ۲۰۲۱ و هنگام رونمایی از هواپیمای جاسوسی (اورون) فرمانده نیروی هوایی رژیم صهیونیستی رسماً اعلام کرد: «این هواپیما قدرت هوایی رژیم صهیونیستی را هم به‌لحاظ جمع‌آوری اخبار و هم تعیین اهداف برای هر هجومی که از ایران، عراق و یمن صورت بگیرد فزونی می‌بخشد» (حیروت، ۲۰۲۱). تمرکز رژیم صهیونیستی بر یمن به‌دلیل رقابت‌های آن با ایران در مناطق مختلف منطقه نیز قابل درک است. ایران بر مواجهه با رژیم صهیونیستی و



پیمان ابراهیم در تمام غرب آسیا، اصرار دارد و یمن از این قاعده مستثنی نیست. ایران از طریق حوثی‌ها می‌تواند هم در دریای سرخ کشتی‌های یمنی را هدف قرار دهد و همچنین قادر است شهرهای جنوبی رژیم صهیونیستی مثل ایلات را هدف‌گیری کند. ایران در عین حال از این امکان برخوردار می‌شود که در قسمت جنوبی شبه جزیره عربی امضاء کنندگان عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را هدف‌گیری کند اما واقعیت آن است که تهدیدات حوثی فقط در یمن و شبه جزیره عربی منحصر نیست. در مجموع، ایران، یمن و محور مقاومت از طریق یمن و در این کشور جبهه جدیدی علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی در کنار جبهه قبلی و اصلی یعنی رویارویی با تحالف گشوده‌اند (القدس العربی، ۲۰۲۲).

از نگاه رژیم صهیونیستی، انصارالله یمن نه با سعودی و امارات بلکه با رژیم صهیونیستی در حال جنگ است. در مقابل، انصارالله هم رژیم صهیونیستی را دشمن درجه یک خود می‌داند و این رژیم را در کنار آمریکا و انگلیس نقش‌آفرینان و بازیگران اصلی میدان نبرد یمن می‌خواند. عبدالملک حوثی در هفتمین سالگرد جنگ رسماً از نقش آمریکا، رژیم صهیونیستی و انگلیس در برنامه‌ریزی دشمنان یمن یاد کرد و ضمن محکوم کردن این نقش‌آفرینی اعلام کرد حتماً این کشورها تبعات آن را خواهند دید. البته در شرایط جدید و با روشن‌تر شدن نقش رژیم صهیونیستی در جنگ یمن محکومیت و تهدید رژیم صهیونیستی، به ترجیع‌بند کلام اغلب مسئولان یمنی تبدیل شده است. این مساله تا حدی جدیت یافته است که در یک فقره وزیر دفاع دولت نجات ملی محمدناصر العاطفی به صراحت و رسماً اعلام کرد نیروهایش بانک اهدافی را در رژیم صهیونیستی هم در زمین و هم در دریا تدارک دیده‌اند (المیادین، ۲۰۲۱/۰۳/۲۶).

۴-۱. سیاسی - رسانه‌ای

رسانه، احزاب و گروه‌های همسو با رژیم صهیونیستی در ۷ سال گذشته تلاش خود را برای مشروع جلوه دادن جنگ تحمیلی ائتلاف سعودی بر یمن، عصیان‌گر معرفی کردن انصارالله، متهم کردن انصارالله به کشتار مردم بی‌گناه و اصرار بر گروهان گرفته شدن مردم یمن توسط انصارالله در این کشور متمرکز کرده‌اند. تأملی در مواضع احزاب و گروه‌های متحد رژیم صهیونیستی و همچنین همسویی رسانه‌های صهیونیستی با رسانه‌های سعودی - اماراتی، در ماجرای حمله به یمن، مواضع یکسان آنها را نشان می‌دهد. شاهد این موضوع، مخالفت وسیع برخی از اعضای کنگره آمریکا متأثر از لابی‌های صهیونیستی با طرح بایدن مبنی بر خروج انصارالله از فهرست گروه‌های تروریستی است. اگر چه بایدن در واقع با تعقیب این سناریو قصد



داشت از یک سو انصارالله را مجبور به مذاکره با ائتلاف کند و از دیگر سو دستان ایران را در منطقه از برگ برنده‌ای، به‌نام انصارالله یمن خالی کند و در حالی که این مسئله فقط بعد از گذشت چند ماه از اقدام ترامپ برای قرار دادن انصارالله در فهرست تروریسم صورت گرفت اما به فاصله مدت زمانی کوتاه کنگره آمریکا، درصدد تصویب لایحه‌ای برای بازگرداندن انصارالله به فهرست تروریسم و همچنین فهرست تحریم‌های ایالت متحده برآمد. همچنین همدلی و همراهی رسانه‌های صهیونیستی با ائتلاف سعودی به‌ویژه در شرایط تشدید حملات هوایی (موشکی - پهپادی) انصارالله به مراکز زیرساختی، تأسیسات نفتی سعودی و امارات در قالب تکرار گزاره‌هایی چون تهدید یمنی‌ها برای دریانوردی بین‌المللی، امنیت کشتی‌رانی، بازار نفت جهانی، حمله به شهروندان بی‌گناه و ... مؤید این مطلب است. نکته جالب توجه در این همراهی رسانه‌ای، مواضع ائتلاف و رژیم صهیونیستی بر متمرکز کردن افکار عمومی جهان به‌سوی ایران به‌عنوان عامل اصلی سازنده موشک‌ها، پهپادها و مین‌های دریایی یمنی و عنصر مؤثر در تقویت یمنی‌ها در تهدیدات منطقه‌ای و جهانی بوده است. بررسی رویکردهای سیاسی و رسانه‌ای صهیونیست‌ها با ائتلاف سعودی نشان می‌دهد که این حرکت درصدد ایجاد پروژه «یمن‌هراسی» و تکمیل پروژه‌های «اسلام‌هراسی» و «ایران‌هراسی» است.

واقعیت میدان یمن آن است که در یک سو انصارالله، ایران و محور مقاومت و در مقابل آنها آمریکا، رژیم صهیونیستی و ائتلاف سعودی سخت‌ترین رویارویی‌ها را در یمن تجربه می‌کنند. در این میان شاید دل‌نگرانی‌های رژیم صهیونیستی اگر بیشتر از ائتلاف سعودی و آمریکا نباشد کمتر از آن نیست. تهدید حوثی‌ها منحصر در یمن و جزیره عربی نیست بلکه سپاه پاسداران حوثی‌ها را آموزش می‌دهد و آنها را با تجهیزات نظامی مجهز می‌کند و با این روش امور زیر بنایی، پایگاه‌های نظامی و کشتی‌ها را در جنوب سعودی و دریای سرخ تهدید می‌کند و البته خود را برای هر جنگی میان رژیم صهیونیستی و متحدانش در منطقه با محور مقاومت آماده می‌کند. تا زمانی که سیطره حوثی‌ها بر شمال برقرار باشد و آنها از پشتیبانی سپاه برخوردار باشند از این امکان برخوردارند که یک جنگ منطقه‌ای وسیع را ضد رژیم صهیونیستی و شرکایش مدیریت کنند (القدس العربی، ۲۰۲۲).

نتیجه‌گیری

ورود به هشتمین سال جنگ ائتلاف سعودی علیه یمن نشان می‌دهد اولاً: جنگ سه هفته‌ای یمن (به‌زعم بن سلمان) اکنون ۸ ساله شده و بازگرداندن انصارالله به کوه‌های صعده به امری



محال تبدیل شده است. ثانیاً: تسلط انصارالله بر شمال یمن امری گریزناپذیر است و احتمال تسلط حوثی‌ها بر باب‌المنندب به‌هیچ وجه دور از ذهن نیست. ثالثاً: شکست دادن اسلام سیاسی در مقابل اسلام لایبیک و سلفی و در کنار مرزهای سعودی وهابی بسیار دشوار است. رابعاً: سبک مقاومت یمنی‌ها تداوم حرکت مقاومت اسلامی علیه رژیم صهیونیستی است و در واقع در یمن، انصارالله نه با عربستان سعودی و امارات که با رژیم صهیونیستی در نبرد است. خامساً: رژیم صهیونیستی به‌خوبی می‌داند که تسلط انصارالله بر باب‌المنندب در کنار تسلط ایران بر تنگه هرمز، خطرات زیادی را متوجه امنیت رژیم خواهد کرد. سادساً: تسلط حوثی‌ها بر باب‌المنندب یعنی تسلط محور مقاومت بر گلوگاه‌های انرژی منطقه و جهان. سابعاً: رژیم صهیونیستی به عربستان سعودی برای تکمیل پروژه موسوم به توافق ابراهیم، به شکلی ویژه امید بسته و البته نگران است که امارات در سایه شکست از یمنی‌ها به کشوری ذلیل در ماجرای عادی‌سازی روابط تبدیل شود. ثامناً: اگر بنا باشد روزی آمریکا منطقه را ترک کند هم سعودی و هم امارات چشم به لطف رژیم صهیونیستی و حمایت ویژه این رژیم دارند. تاسعاً: در حالی که موشک‌ها و پهپادهای یمنی تا ۱۵۰۰ کیلومتری و عمق امارات نفوذ کرده‌اند، و با موفقیت اهداف خود را نشانه رفته‌اند پیمودن فاصله ۲۰۰۰ کیلومتری یمن تا رژیم صهیونیستی برای یمنی‌ها معمای پیچیده‌ای نیست. این در حالی است که رژیم صهیونیستی از میزان تأثیر قدرت نظامی یمن در تخریب رژیم صهیونیستی آگاه است. عاشراً: در حالی که مقامات یمن از دشمنی با رژیم صهیونیستی گفته‌اند و حتی بخش مهمی از شعار متداول در بین یمنی‌ها لعن فرستادن به رژیم صهیونیستی است و در شرایطی که عبدالملک حوثی به صراحت اعلام داشته در جنگ احتمالی فی بین حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، حامی لبنان خواهد بود، همراهی رژیم صهیونیستی با ائتلاف سعودی و تلاش بی‌وقفه برای جلوگیری از پیروزی انصارالله در یمن امری قطعی است.

سؤال اساسی این است که آیا رسانه‌های همسو با طرف یمنی و به‌ویژه رسانه‌های موسوم به محور مقاومت، در مواجهه با جنگ رسانه‌ای تحمیلی محور عربی - غربی - عبری موفق بوده‌اند؟ آیا پس از گذشت ۷ سال از جنگ یمن و با روشن شدن نقش آفرینی ویژه رژیم صهیونیستی در این جنگ، رسانه‌های مذکور آن چنانچه که بایسته است از تمام توان خود در تمرکز بر مسئله یمن و برجسته‌سازی آن بهره برده‌اند؟ افزون بر اقدامات رسانه‌ای انجام شده در انعکاس مسائل جنگ در یمن در خلال ۷ سال گذشته، کدام ظرفیت‌های رسانه‌ای مغفول همچنان شایسته تأمل ویژه‌ای هستند؟



در پاسخ به این سؤالات، ابتدا باید به چند گزاره اساسی توجه داشت. اول: در جنگ رسانه‌ای علیه مردم یمن، ائتلاف سعودی و به‌ویژه رژیم صهیونیستی از تمام ظرفیت‌های خود به شکل کاملاً هوشمند، هماهنگ و هدفمند بهره می‌گیرند. اتخاذ رویکرد واحد از همه رسانه‌های عبری - عربی - غربی نشانگر این مدعاست و این یعنی اینکه دشمنان ملت یمن در جنگ نرم علیه یمن، سنگ تمام گذاشته‌اند. دوم: رژیم صهیونیستی هم نوا با دو محور عربی و غربی با معرفی انصارالله به‌عنوان تهدیدی برای منطقه و جهان هم از تسلط امارات و دست‌نشانندگان امارات بر جزایر یمنی و هم از تسلط عربستان سعودی و متحدان آن یعنی حزب اصلاح، بقایای موتمر، هادی (به اعتبار گذشته) و هیئت شورای رهبری (به اعتبار امروز) بر خاک یمن استقبال می‌کند. رژیم صهیونیستی به این شیوه قصد دارد هم مانع تسلط انصارالله بر یمن و به‌ویژه باب‌المنذب شود و هم امنیت و آزادی کشتی‌رانی و در نهایت نجات اقتصاد خود را تأمین و تضمین کند. سوم: رژیم صهیونیستی اگر چه خواهان شکست کامل انصارالله است، اما به‌دلیل غیرممکن بودن تحقق این گزینه، می‌کوشد تا از ظرفیت فرسایشی شدن جنگ بهره‌برداری کند تا هم انصارالله تضعیف شود و هم ائتلاف سعودی، بیش از پیش به تل‌آویو وابسته باشد. چهارم: رژیم صهیونیستی، مدافع اصلی پروژه تجزیه یمن در شرایط ناکامی ائتلاف سعودی است. از نگاه رژیم صهیونیستی تجزیه یمن، به‌معنای تضعیف اساسی انصارالله خواهد بود.

پیشنهادهای رسانه‌ای

با تأمل بر رویکردها و اقدامات رسانه‌ای همسو با مقاومت یمن به‌نظر می‌رسد حتی اگر شیوه و حجم حمایت‌های رسانه‌های مذکور در طول ۷ سال گذشته کافی ارزیابی شود، اما میزان تأثیرگذاری این شیوه و حجم آن اساساً با نوع دشمنی ائتلاف سعودی با مردم یمن و به‌ویژه انصارالله همخوانی ندارد. بر این اساس، اگرچه تأکید بر ادامه همراهی رسانه‌ای با مسئله یمن در حجم و اندازه پیشین همچنان توصیه می‌شود اما به‌نظر می‌رسد توسل به راهکارهای جدید و به خدمت گرفتن تجهیزات رسانه‌ای متناسب با میدان نبرد یمن در سال هشتم جنگ و سال‌های بعد از آن و به‌شرح زیر ضروری است.

- استفاده بیش از پیش و مؤثر از رسانه رادیو: رادیو به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین رسانه‌های پرمخاطب در یمن امروز نقش‌آفرینی می‌کند. این درحالی است که تعداد رادیوهای فعال در



امواج مختلفی که بتوانند ضمن خلق و تعمیق انگیزه مقاومت، پیام مقاومت را در مناطق مختلف یمن منعکس کنند، اندک است.

- تمرکز بر تولیدات رادیویی ویژه: با توجه به اینکه در دنیای رسانه‌ای امروز رادیو در مقایسه با تلویزیون و فضای مجازی نقش و تأثیری کمتر دارد، رادیوهای محدود اما فعال در یمن (از جمله رادیو برون‌مرزی یمن) به دلیل ضعف بودجه و بهره نبردن از عوامل متخصص در پیام رادیویی عمدتاً از برنامه‌های تولید شده در شبکه‌های تلویزیونی بدون توجه به اختلاف جنس پیام استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است که با اختصاص بودجه مناسب و استخدام افراد متخصص این نقیصه برطرف شود.

- درخصوص اخبار و برنامه‌های تلویزیونی به دلیل محاصره یمن، امکان اعزام تیم‌های متخصص دشوار است. اگرچه رسانه‌های محور مقاومت کوشیده‌اند تا با به‌کارگیری نیروهای پراکنده یمنی پروژه آموزش از راه دور خبرنگاران را در دستور کار قرار دهند، اما به نظر می‌رسد حجم این فعالیت ناکافی است. لذا، تولید بسته‌های آموزشی مؤثر برای عوامل رسانه‌ای و تمرکز بر آموزش «آنلاین» ضرورت دارد.

- یمن در شرایط کنونی از بی‌صدایی در مقابل تک‌صدایی ائتلاف سعودی رنج می‌برد. تمرکز رسانه‌ای با ابزار رسانه‌ای مناسب در مورد موضوعات مختلف حقوق بشری کافی نیست. لذا، موج‌آفرینی خبری در قالب تشکیل یک «اتاق عملیات مشترک رسانه‌ای» با هدف تعیین یک موضوع خاص جهت تمرکز همگانی رسانه‌های همسو در مدت زمانی معین و تعریف شده ضروری است.

- برگزاری جشنواره‌های بین‌المللی از تولیدات رسانه‌ای مرتبط با یمن، تمرکز تبلیغاتی و باز نشر تولیدات موفق رسانه‌ای با موضوع یمن و معرفی چهره‌های موفق در این تولیدات، به پیشبرد اهداف محور مقاومت کمک می‌کند.

- تعیین یکی از روزهای ماه به‌عنوان «روز یمن» و اختصاص برنامه‌های هر یک از شبکه‌های محور مقاومت و رسانه‌های همسو به مسئله یمن در برجسته‌سازی این موضوع مفید است.

- استفاده بیش از پیش از ظرفیت رسانه‌های مجازی با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی. واقعیت آن است که تسلط غرب و سعودی و رژیم صهیونیستی بر رسانه‌هایی چون فیس بوک و توییتر و سایر رسانه‌های وابسته به این دو غول رسانه‌ای، هرچند فضای فعالیت و مانور رسانه‌ای را محدود می‌کند اما همچنان از مسدود کردن آن عاجز است. بر این اساس تلاش برای



- استفاده از صفحات متعدد و متکثر در شبکه‌های اجتماعی و البته خاص یمن با عناوین مختلف می‌تواند در امر جهانی‌سازی «پیام یمنی‌ها» مؤثر واقع شود.
- استفاده از ظرفیت‌های منحصر به فرد پیام بر بستر اینترنت، در کلیه اشکال آن برای جلب توجه افکار عمومی، در کنار استفاده از ظرفیت‌های جدید مانند پادکست باید شدت بیشتری پیدا کند.
- پیشنهاد می‌شود به منظور هم‌افزایی در عرصه اطلاع‌رسانی کلیه رسانه‌های همسو با مسئله یمن برای هر یک از تولیدات خود نسخه کوتاه و مؤثر برای انتشار در فضای مجازی تهیه کنند.
- در جمهوری اسلامی ایران و البته محور مقاومت شناخت از فضای داخل رژیم صهیونیستی کافی نیست. لذا، تشکیل کارگروهی ویژه برای رصد مستمر تحولات داخلی رژیم صهیونیستی در برخورد با مسئله یمن ضرورت دارد.
- با توجه به محاصره همه‌جانبه یمن، می‌توان با راه‌اندازی یک کاروان کمک‌رسان دریایی به سوی یمن، مظلومیت مردم آن را در معرض توجه رسانه‌ها و افکار عمومی جهانی قرار داد. طبعاً حاصل این اقدام خواه به مقصد برسد و یا از رسیدن آن ممانعت به عمل آید، وافی به مقصود یعنی جلب توجه افکار عمومی به مسئله یمن خواهد بود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

احمدی، وحیده (۱۳۹۶)، «رژیم صهیونیستی و کشورهای پیرامونی، نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۲۰ ش ۷۶، صص ۱۳۶-۱۱۲.

احمدیان، حسن (۱۳۹۰)، «خیزش مردم یمن و گذار از رژیم اقتدارگرا»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۶۸-۴۰.

بی‌بی‌سی (۲۸ تیر ۱۴۰۰)، «پگاسوس، بدافزاری که یک شرکت اسرائیلی برای جاسوسی به کشورهای استبدادی فروخته»، قابل دسترسی در لینک:

<https://www.bbc.com/persian/world-57884035>

تسنیم (۱۳۹۹)، ادامه خیانت امارات به ملت فلسطین قابل دسترسی در لینک:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/04/04/2292473>

حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و نعمتی، امیرحسین (۱۳۹۸)، «صف‌آرایی عربستان با رژیم صهیونیستی از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، دوره ۱۱، شماره ۴۰، صص ۸۹-۷۰.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۷)، «رمزگشایی از جنجال اسناد هسته‌ای در شورآباد!»، قابل دسترسی در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1977915>

محسنی، سجاد (۱۴۰۰)، «ابعاد سیاسی- رسانه‌ای حملات پهبادی انصارالله یمن علیه ائتلاف سعودی»، **پژوهشنامه رسانه بین‌الملل**، سال ششم، شماره ۷، صص ۱۰۵-۸۵.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: سمت.

نجات، سیدعلی، موسوی، سیدراضیه و محمدرضا صارمی (۱۳۹۵)، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۱۳۷-۷۹.

نیاکویی، سیدامیر و اعجازی، احسان (۱۳۹۵)، «واکاوی بحران امنیتی در یمن و زمینه‌ها»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و راهبردی**، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۶۲-۳۹.

منابع عربی

ابراهیم، درویش (۲۰۲۲)، «فورین بولسی: الیمن أصبح ساحة انطلاق لمحور المقاومة الإيرانية ضد إسرائيل ودول التطبيع»، لتحقیق به:

<https://www.alquds.co.uk>

الاشول، عمار (۲۰۲۱)، «إسرائيل و المجلس الانتقالي فی جنوب الیمن: واقع العلاقة وأفاقها»، لتحقیق به:





<https://carnegieendowment.org/sada/84014>

القدس العربی (۲۰۲۲)، «فورین پولیسی: الیمن أصبح ساحة انطلاق لمحور المقاومة الايراني ضد اسرائيل و دول التطبيع»، لتتحقیق به:

<https://www.alquds.co.uk/%D9%81%D9%88%D8%B1%D9%8A%D9%86-%D8%A8%D9%88%D9%84%D9%8A>

الديب، احمد (۲۰۲۰)، «صديق سرى لاسرائيل فى الیمن و خطه جلازر لاقامة دولة يهودية فى صنعاء»، لتتحقیق به:

<https://sanaacenter.org/10246>

حیروت (۲۰۲۱)، «تخوف اسرائیلی من ساحة الیمن. بعيدة وتكسد فيها أسلحه»، لتتحقیق به:

<https://hayrout.com/50273>

روسيا اليوم (۲۰۲۲)، «زيارة وفد أمنی اسرائیلی إلى الإمارات بعد هجمات الحوثيين»، لتتحقیق به:

https://arabic.rt.com/middle_east/1321165

الشرع، فاروق (۱۴۰۰)، **روایت گمشده**، ترجمه: حسین جابر انصاری، تهران: نشر ایران.

صحافه الجدید (۲۰۲۱)، «ضمنهم ۷۰ خبير عسكري و ۴۲ طيار.. واشنطن تكشف حجم مشاركة إسرائيل فى الیمن»، لتتحقیق به:

<https://pressn.net/article/12615623>

العالم (۱۳۹۹)، «دوست محرمانه جدید رژیم صهیونیستی در یمن کیست؟»، قابل دسترسی در:

<https://fa.alalam.ir/news/5006851>

العالم (۲۰۲۱)، «الامارات تدشن وجود عسكري دائم لها فى جزيره ميون الیمنیه»، لتتحقیق به:

<https://www.alalam.ir/news/5613308/>

العالم (۲۰۲۱)، «انقلاب ابن سلمان الأبيض على منصورهادی»، لتتحقیق به:

<https://www.alalam.ir/news/6118623>

العالم (۲۰۲۲)، «لماذا تقيم الامارات قاعدة عسكرية باب المندب، ويحذرها من هذا الشىء»، لتتحقیق به:

<https://www.alalam.ir/news/۵۶۱۷۵۸/>

اسعد، سليمان (۲۰۲۰)، «الساحل الغربی خارج سيطرة الیمنيين: معتقل لمخابرات اقليمیه و دولیه»، لتتحقیق به :

<https://www.alaraby.co.uk/politics/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%A7%D8%A%D9%84-%D8%A7%D9%84%D8%BA%D8%B1%D8%A8%D9%8A>

الزیبیدی، عیدروس (۲۰۲۱)، «لا مانع من التطبيع مع إسرائيل»، لتتحقیق به:

https://arabic.rt.com/middle_east/1198718

المیادین (۲۰۲۱)، «فواز، على فرصة أم تهدید؟ كيف تنظر "إسرائيل" إلى الیمن؟»، لتتحقیق به:

<https://www.almayadeen.net/butterfly-effect/1467072>

منابع انگلیسی

Walt, Stephen (1987), **Theorigins of Alliance**, newyork: Cornell Univevsity.

Walt, Stephen (2010), “Balancing Threat: The United States and the Middle East”, an Interview with Stephen M. Walt, **Yale Journal of International Affairs**, Spring/Summer.

